

سبک‌های والدگری، ویژگی‌های شخصیتی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان[□]

Parenting Style, Personality Characteristics and Academic Achievement in Students *

Parvin Vadudi Mofid, M.Sc.

Parviz Azadfallah, [✉] Ph.D.

Kazem Rasoulzadeh Tabatabai, Ph.D.

پروین ودودی مفید **

دکتر پرویز آزادفلاح **

دکتر کاظم رسولزاده طباطبائی **

Abstract

The present study assessed the relationship among parenting styles, personality characteristics and academic achievement in students. The impact of parenting style on academic performance of neurotic and extravert students was examined. 400 female subjects and their mothers were chosen through cluster random sampling from secondary schools of Tehran city. Data were collected using the NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI), Baumrind Parenting Inventory and students' academic scores. Results revealed that authoritative and authoritarian parenting styles and students' extraversion predicted 22.6% of their academic performance changes. Also results showed that academic performance of neurotic and extravert students with authoritative parents was better than same students with authoritarian or neglectful parents. The results were discussed according to personality traits and parenting styles theory. The findings could help in understanding the relationship between academic achievement and personality characteristics and the moderating role of parenting styles.

Keywords: parenting styles, personality traits, academic achievement

چکیده

هدف از پژوهش حاضر شناخت رابطه سبک‌های والدگری و ویژگی‌های شخصیتی با پیشرفت تحصیلی، نقش سبک والدگری بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان نوروژیک و برون‌گرا بود. جامعه آماری در این تحقیق، کلیه دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های شهر تهران و مادران آنها بود که تعداد ۴۰۰ نفر به روش تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از سیاهه‌های ۵ عاملی شخصیت NEO-FFI و شیوه‌های فرزندپروری باوریند و معدل دانش‌آموزان و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون گسار به گسار و تحلیل واریانس یک‌راهه (ANOVA) استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد که سبک‌های والدگری مستبدانه و مقتدرانه و ویژگی شخصیتی برون‌گردی ۲۲/۶٪ از تغییرات عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را تبیین نمایند. همچنین مشاهده گردید که عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان نوروژیک و برون‌گرا با سبک والدگری مقتدرانه بهتر از دانش‌آموزانی است که در معرض سبک والدگری سهل‌گیرانه و مستبدانه هستند. نتایج بر اساس نظریه سبک‌های والدگری و صفات شخصیتی مورد بحث قرار گرفت. یافته‌های این پژوهش می‌تواند در شناخت ارتباط پیشرفت تحصیلی و ویژگی‌های شخصیتی و نقش تعدیل‌گر سبک‌های والدگری در این ارتباط، کمک شایانی باشد.

کلیدواژه‌ها: سبک والدگری، ویژگی شخصیتی، پیشرفت تحصیلی

* Department of Psychology, Tarbiat Modarres University, Tehran, I.R. Iran.
[✉] Email: azadfa_p@modarres.ac.ir

□ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۵/۳۱ تصویب نهایی: ۱۳۹۰/۱۲/۱۴
* گروه روانشناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس تهران

● مقدمه

«پیشرفت تحصیلی»^۱ دانش‌آموزان و بررسی عوامل تاثیرگذار بر آن، موضوع مهمی است که بخش عمده‌ای از پژوهش‌های علوم تربیتی و روانشناسی را به خود اختصاص داده است. محققان توافق دارند که علاوه بر آموزش، بسیاری دیگر از عوامل از جمله، محیط، مدرسه، خانواده، «سبک والدگری»^۲ و محیط اجتماعی که کودک در آن زندگی می‌کند و همچنین مشخصه‌های فردی مانند هوش، شخصیت، سن، همسالان و انگیزه در عملکرد تحصیلی او نقش مهمی را ایفا می‌کنند. کامورا^۳ و همکاران (۲۰۰۹) دریافتند که پیشرفت تحصیلی تنها پیامد هوش و امکانات آموزشی نیست بلکه جنبه‌های روانشناختی، از قبیل ابعاد شخصیتی و سبک‌های یادگیری نقش مهمتری را دارند. برای مثال کتل^۴ (۱۹۷۸؛ به نقل از / پنهانته و همکاران، ۲۰۰۱) عنوان می‌کند در گستره موفقیت تحصیلی، نقش شخصیت قوی‌تر از هوش است. در واقع مجموعه وسیعی از رفتارهای انسان مانند موفقیت تحصیلی و شغلی با صفات شخصیتی در ارتباط هستند (جاج و همکاران، ۲۰۰۷).

باید در نظر داشت که نهاده خانواده با توجه به تاثیر قابل توجه بر رشد روانشناختی نوجوان، از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر شخصیت او بوده و به طور مستقیم و غیر مستقیم بر پیشرفت تحصیلی فرد تاثیر می‌گذارد (دسجردنس و همکاران، ۲۰۰۸). به طور کلی نقش و تاثیر خانواده بر شکل‌گیری شخصیت به طور عمده در سه محور تاثیر سبک والدگری (به ویژه مادر)، تاثیر سایر اعضای خانواده و ترتیب تولد فرزندان مورد توجه واقع شده است (ویک نلسون و همکاران، ۲۰۰۹). سبک والدگری یکی از مولفه‌های اساسی در رشد و تربیت فرزندان است و اغلب ارتباط با مهمترین دستاوردهای فرزندان مانند توانایی‌های شناختی و اجتماعی آنها دارد و زمینه ساز بسیاری از ابعاد شخصیتی، نگرش‌ها، احساسات و عادات افراد می‌باشد (دسجردنس و همکاران، ۲۰۰۸). سبک‌های والدگری از الگوهای فرهنگی خاصی پیروی نمی‌کنند و منظومه‌ای از گرایشات، اعمال و جلوه‌های غیر کلامی است که ماهیت تعامل فرزند و والدین را در تمامی موقعیت‌های گوناگون مشخص می‌کند (دارلینگ و استنبرگ، ۱۹۹۳).

برخی از محققان بر این باورند که یکی از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر پیشرفت

تحصیلی، ویژگی‌های شخصیتی و تعلق فرد به یکی از این رگه‌ها و نیز سبک‌های تفکر می‌باشد (پروموزیک و فورنهام، ۲۰۰۳، لایدر و همکاران، ۲۰۰۷). در مقابل در برخی از تحقیقات نیز به ارتباط بین شخصیت و پیشرفت تحصیلی دست نیافته و به رابطه ضعیف شخصیت با پیشرفت تحصیلی اشاره کرده‌اند (واگرمین و فاندرا، ۲۰۰۷). در تحقیقاتی که پیشرفت تحصیلی را به ابعاد شخصیتی وابسته می‌دانند، به رابطه منفی بین بعد شخصیتی «روان‌آزوده‌گرایی»^۴ با پیشرفت تحصیلی اشاره دارند و عواملی چون اضطراب و افسردگی که متاثر از این رگه شخصیتی هستند را در کاهش پیشرفت تحصیلی موثر می‌دانند (لایدر و همکاران، ۲۰۰۷ و پروموزیک و فورنهام، ۲۰۰۳). چرا که افراد نوروژها از توانایی کمتری در تمرکز برای حل مسائل برخوردارند (اوکونور و پائونن، ۲۰۰۷). تیلور^۵ (۲۰۰۳؛ به نقل از محمدی، ۱۳۸۴) در پژوهش‌های خود متوجه شد که عملکرد «برون‌گردها»^۶ در بعضی جنبه‌های حافظه از جمله فراخنای حافظه بهتر از «درون‌گرد»^۷ها است. این ویژگی می‌تواند تأثیری دو گانه در عملکرد تحصیلی داشته باشد. بعضی از ویژگی‌های برون‌گردها مانند برون‌گیتگی، پرحرفی و جمع‌گرایی، عدم تمرکز بر روی مطالب درسی را در آنها به دنبال خواهد داشت (پروموزیک و همکاران، ۲۰۰۳) همچنین این افراد مستعد عواطف و شناخت مثبت هستند؛ ولی کمتر از درون‌گردها تحت تأثیر رقابت قرار می‌گیرند (زویک و وبستر، ۲۰۰۴). پروموزیک و فورنهام (۲۰۰۳) و اوکونور و پائونن (۲۰۰۷) به عدم ارتباط برون‌گردی با پیشرفت تحصیلی اعتقاد دارند و بیان می‌کنند که دانش‌آموزان برون‌گرد بیشتر در کارهای گروهی عملکرد مناسب دارند نه در پیشرفت تحصیلی.

از سوی دیگر تأثیر روش‌های تربیتی که والدین در دوران کودکی و نوجوانی اعمال می‌نمایند بر تمام کارکردهای فرد تأثیر نافذ، انکارناپذیر و متفاوتی دارند. دارلینگ و اشتینبرگ (۱۹۹۳) مدلی را مطرح کرده‌اند که از آن چهار سبک والدگری «مقتدرانه»^۸، «مستبدانه»^۹، «سهل‌گیرانه»^{۱۰} و «مسامحه‌کارانه»^{۱۱} نتیجه می‌شود. والدین مقتدر پیوسته گرم، مسئول و حمایتگر بوده (آبار و همکاران، ۲۰۰۹) و به صورت منظم روی فرزندان خود کنترل داشته، با احترام به نظرات آنان به رشد عقلانی آنها کمک می‌کنند (شافرو کیپ، ۲۰۰۷). فرزندان این والدین دارای «حرمت خود»^{۱۲} بالا و ابتکار عمل فردی بوده و محبوب معلمان و دوستان خود هستند. فرزندان این شیوه دارای

سازگاری اجتماعی و موفقیت تحصیلی بالا می‌باشند. سبک والدگری مستبدانه با کنترل و توقع بالا برای تغییر و تصحیح رفتار کودک بیشتر بر تنبیه مبتنی می‌باشد (دارلینگ، ۱۹۹۹). فرزندان این افراد، قدرت تصمیم و ابتکار عمل پایینی دارند (روپنارین و همکاران، ۲۰۰۶)؛ دارای حرمت خود پایین بوده و از توانایی کمی در ایجاد ارتباط برخوردارند (علیزاده و آندریس، ۲۰۰۲؛ دارلینگ، ۱۹۹۹). سبک والدگری مستبدانه با نوروژگرای فرزند در ارتباط مستقیم بوده و موجب بروز اضطراب در آنها می‌گردد (ولفراد و همکاران، ۲۰۰۳).

والدین آسان گیر با روابط گرم و پذیرا، کنترل چندانی روی فرزندان خود ندارند و فشار کمتری روی آنان اعمال می‌کنند (شافر و کیپ، ۲۰۰۷). نوجوانان خانواده‌های سهل گیر عزت نفس و مهارت اجتماعی بالا دارند و می‌توانند روابط گرمی با والدین خود داشته باشند (دارلینگ، ۱۹۹۹). فرزندان این والدین دارای انگیزش پایین در تحصیل بوده (مک واین، ۲۰۰۸) ولی دارای سازگاری روانی بالایی می‌باشند (ولفراد و همکاران، ۲۰۰۳).

در برخی تحقیقات (از قبیل کوتارد، ۲۰۰۶ و فورلهم و همکاران ۲۰۰۴) عوامل موثر بر عملکرد تحصیلی به دو دسته کلی عوامل قابل کنترل و غیر قابل کنترل تقسیم شده‌اند. از عوامل قابل کنترل می‌توان به رفتار آموزشی مانند حضور یا عدم حضور در کلاس، کار به همراه تحصیل، میزان مطالعه و پژوهش در طول هفته، کیفیت آموزش و تدریس و از عوامل غیرقابل کنترل، به مواردی چون استعداد تحصیلی، رگه‌های شخصیتی، سن و جنس می‌توان اشاره کرد. از سوی دیگر به غیر از خصوصیات شخصیتی، شرایط اجتماعی، وضعیت اقتصادی، روابط بین اعضای خانواده و نیز حمایت‌های والدین از عوامل موثر در پیشرفت تحصیلی می‌باشند (مالفو، ۲۰۰۰).

○ در تمام تحقیقات فوق خلا بررسی همزمان و «نقش متقابل» سبک والدگری و ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان در پیشرفت تحصیلی مشاهده می‌شود. در این گستره، هدف از تحقیق حاضر، با توجه به نقش برجسته آموزش و به تبع آن پیشرفت تحصیلی، شناخت و ارزیابی ارتباط سبک والدگری و ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان با پیشرفت تحصیلی در بین دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر تهران می‌باشد. لازم به ذکر است که پیشرفت تحصیلی از طرفی متأثر از هر دو عامل رگه‌های

شخصیت و سبک تربیتی و نگرش والدین به تحصیل بوده و از طرفی شکل‌گیری شخصیت نوجوان نیز از سبک والدین تاثیر می‌پذیرد. با توجه به تاکید ادبیات تحقیق بر نقش ویژگی‌های شخصیتی روان‌آزرده‌گرایی و برون‌گردی در زندگی فردی و اجتماعی، در پژوهش حاضر بررسی نقش سبک‌های والدگری بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان نوروژگرا و برون‌گرد مورد بررسی ویژه قرار گرفته است.

● روش

پژوهش حاضر، از نوع طرح‌های همبستگی است. «جامعه آماری» مورد مطالعه، کلیه دانش‌آموزان دختر دبیرستانهای دولتی شهر تهران است که در سال ۱۳۸۸-۱۳۸۷ در مقاطع اول، دوم و سوم دبیرستان مشغول به تحصیل بوده‌اند. حجم گروه نمونه با توجه به ماهیت پژوهش و رعایت کفایت تعداد در تحقیقات همبستگی ۴۰۰ نفر دانش‌آموز دختر دبیرستانی و مادران آنها می‌باشند. شیوه نمونه برداری به صورت تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای می‌باشد. بدین صورت که ابتدا شهر تهران به پنج بخش شمال، جنوب، مرکز، غرب و شرق تقسیم شد و سپس از هر بخش یک منطقه آموزش و پرورش به صورت تصادفی انتخاب شد. آنگاه از هر منطقه دو دبیرستان دولتی دخترانه و از هر دبیرستان دو کلاس به صورت تصادفی انتخاب گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون معناداری ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون (گام‌به‌گام) و تحلیل واریانس یک‌راهه (ANOVA) و آزمون تعقیبی توکی استفاده شده است.

● ابزار

شرکت کنندگان، سیاه پنج عاملی شخصیت NEO-FFI^{۱۴} و «سیاه سبک‌های والدگری "بامریند"»^{۱۵} را تکمیل کردند. سیاه شخصیت NEO-FFI پنج عامل شخصیتی نوروژگرای، برون‌گردی، گشودگی، سازگاری و مسئولیت‌پذیری را می‌سنجد که بر اساس تحقیقات ضرایب اعتبار آلفای کرونباخ آنها به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۵۲، ۰/۵۵، ۰/۶۵ و ۰/۸۳ به دست آمده است (پانایتو و همکاران، ۲۰۰۴). در پژوهش دیگری که در کشورمان انجام شد همسانی درونی آزمون NEO-FFI را در دامنه ۰/۳۵ (گشودگی) تا

۰/۸۳ (برای نوروزگرایی) اعلام نمودند (روشن و همکاران، ۱۳۸۵). سیاهه سبک‌های والدگری اقتباسی از نظریه اقتدار والدین است که بر اساس نظریه بامریند از سه الگوی سهل‌گیرانه، استبدادی و مقتدرانه والدین، جهت بررسی الگوهای نفوذ و شیوه‌های فرزندپروری ساخته شده است. این سیاهه دارای ۳۰ ماده است. در پژوهشی که /سفندیاری برای تعیین اعتبار به روش بازآزمایی انجام داد میزان اعتبار برای سبک سهل‌گیرانه ۰/۶۹ برای سبک استبدادی ۰/۷۷ و برای سبک مقتدرانه ۰/۷۳ به دست آمد.

۱۰ اجرا

انجام این تحقیق و ارزیابی فرضیه‌های پژوهشی از طریق تکمیل ابزار مذکور انجام گرفت. بعد از انتخاب گروه نمونه، به صورت تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای در ابتدای امر، با حضور محقق در کلاس برای دانش‌آموزان در مورد اهداف و نحوه تکمیل آن و این که اجرای این ابزار توضیحاتی داده شد تا اطمینان و مشارکت آنان جلب شود. هر سیاهه شخصیت دارای کد خاصی متناظر با سیاهه مادر (سبک والدینی) بود. پس از پاسخ دهی دانش‌آموزان به سیاهه شخصیت در حضور محقق نمره معدل کل ترم اول آنها از روی کارنامه‌ای که همراه داشتند ثبت شد. سپس این فرمها جمع آوری و سیاهه شیوه فرزند پروری مادران تحویل خانواده ها گردید.

● یافته‌ها

در این بخش ابتدا ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش را طرح نموده‌ایم. در

جدول ۱. رابطه سبک های والدگری، ویژگی‌های شخصیتی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
شیوه سهل‌گیرانه	۱								
شیوه مستبدانه	۰/۲۷**	۱							
شیوه مقتدرانه	۰/۰۴	۰/۲۸**	۱						
نوروزگرایی	۰/۳۷**	۰/۱۵**	۰/۱۲*	۱					
برون گردی	۰/۱۶**	۰/۰۸	۰/۰۹	۰/۲۲**	۱				
گشودگی	۰/۱۹**	۰/۱۷**	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۱۹**	۱			
سازگاری	۰/۱۶**	۰/۲۱**	۰/۰۴	۰/۳۱**	۰/۰۵	۰/۰۸	۱		
مسئولیت‌پذیری	۰/۱۲*	۰/۱۹**	۰/۲۲**	۰/۱۲*	۰/۲۵**	۰/۲۲**	۰/۱۰*	۱	
عملکرد تحصیلی	۰/۰۱	۰/۴۳**	۰/۲۷**	۰/۱۲*	۰/۱۵**	۰/۱۵**	۰/۱۵**	۰/۰۲۲	۱

*: $p < 0.05$ **: $p < 0.01$

این ماتریس (جدول ۱)، با استفاده از آزمون معناداری ضریب همبستگی پیرسون، رابطه سبک‌های والدگری، با ویژگی‌های شخصیتی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان نشان داده شده است.

در ادامه نقش سبک‌های والدگری و ویژگی‌های شخصیتی در تبیین تغییرات عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان به کمک تحلیل رگرسیون گام به گام مورد بررسی قرار گرفته است (جدول ۲).

جدول ۲. تحلیل رگرسیون عملکرد تحصیلی بر اساس سبک‌های والدگری و ویژگی‌های شخصیتی

گام	متغیرهای پیش‌بین	منابع تغییر	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	Sig
اول	شیوه مستبدانه	رگرسیون باقیمانده کل	۲۹۹/۹۹ ۱۳۴۸/۱۹ ۱۶۴۸/۱۸	۱ ۳۹۸ ۳۹۹	۲۹۹/۹۹ ۳/۳۹	۸۸/۵۶	<۰/۰۰۱
دوم	شیوه مستبدانه شیوه مقتدرانه	رگرسیون باقیمانده کل	۳۴۲/۴۹ ۱۳۰۵/۶۹ ۱۶۴۸/۱۸	۲ ۳۹۷ ۳۹۹	۱۷۱/۲۴ ۳/۲۹	۵۲/۰۷	<۰/۰۰۱
سوم	شیوه مستبدانه شیوه مقتدرانه برون‌گردی	رگرسیون باقیمانده کل	۳۷۲/۳۳ ۱۳۷۵/۸۵ ۱۶۴۸/۱۸	۳ ۳۹۶ ۳۹۹	۱۲۴/۱۱ ۳/۲۲	۳۸/۵۲	<۰/۰۰۱

اطلاعات مربوط به ضرایب رگرسیون هر یک از گام‌های تحلیل در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. اطلاعات مربوط به ضرایب رگرسیون

گام	متغیرهای پیش‌بین	B	β	R	R ²	نسبت t	Sig
اول	شیوه مستبدانه	-۰/۱۲	-۰/۴۳	۰/۴۲۷	۰/۱۸۲	-۹/۴۱	<۰/۰۰۱
دوم	شیوه مستبدانه شیوه مقتدرانه	-۰/۱۱ ۰/۰۷	-۰/۳۸ ۰/۱۷	۰/۴۵۶	۰/۲۰۸	-۸/۱۴ ۳/۵۹	<۰/۰۰۱ <۰/۰۰۱
سوم	شیوه مستبدانه شیوه مقتدرانه برون‌گردی	-۰/۱۰ ۰/۰۷ -۰/۰۶	-۰/۳۶ ۰/۱۸ -۰/۱۴	۰/۴۷۵	۰/۲۲۶	-۷/۷۸ ۳/۹۸ -۳/۰۴	<۰/۰۰۱ <۰/۰۰۱ ۰/۰۰۲

همانطور که در جدول‌های ۲ و ۳ آمده است، اثر سبک‌های والدگری مستبدانه و مقتدرانه و ویژگی شخصیتی برون‌گردي در تبیین تغییرات عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان معنادار است. این سه متغیر در مجموع قادرند ۲۲/۶٪ از تغییرات عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را تبیین نماید ($p < 0/01$). ضرایب رگرسیون، تاثیر مثبت شیوه مقتدرانه و تاثیر منفی شیوه مستبدانه و ویژگی شخصیتی برون‌گردي را بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان نشان می‌دهند.

در جدول ۴ به کمک تحلیل واریانس یک‌راهه (ANOVA)، عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان نوروزگرایی که سبک والدگری آنها سهل‌گیرانه، مستبدانه یا مقتدرانه بود، مورد مقایسه قرار گرفته شده است. همانطور که در این جدول مشاهده می‌شود میان عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان نوروزگرا در سبک‌های والدگری سه گانه تفاوت معناداری وجود دارد ($p < 0/001$). نتایج پررشتی‌ها با استفاده از آزمون تعقیبی توکی (HSD) نشان داد عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان نوروزگرایی که والدین آنها سبک مقتدرانه را اتخاذ نموده‌اند، بطور معناداری بهتر از دانش‌آموزانی است که سبک والدگری آنها سهل‌گیرانه و مستبدانه بود ($p < 0/002$).

جدول ۴. مقایسه عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان نوروزگرا با سبک‌های والدگری سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه

شیوه‌های فرزندپروری	منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	Sig
سهل‌گیرانه	بین گروهی	۱۲۰/۰۴	۲	۶۰/۰۲	۱۴/۳۰	<0/001
مستبدانه	درون گروهی	۷۴۲/۷۷	۱۷۷	۴/۱۹		
مقتدرانه	کل	۸۶۲/۸۱	۱۷۹			

مقایسه عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان برون‌گردي که سبک والدگری آنها سهل—گیرانه، مستبدانه یا مقتدرانه است در جدول ۵ آمده است: نتایج تحلیل واریانس یک راهه جدول ۵ نشان می‌دهد در سبک‌های والدگری سه گانه، عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان برون‌گرد با یکدیگر تفاوت معناداری دارند ($p < 0/02$). بر اساس نتایج آزمون تعقیبی توکی، عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان برون‌گردي که والدین آنها سبک مقتدرانه را اتخاذ نموده‌اند، به طور معناداری بهتر از دانش‌آموزانی است که سبک والدگری آنها مستبدانه بود؛ این تفاوت با سبک سهل‌گیرانه نیز مشاهده گردید ($p < 0/023$).

جدول ۵. مقایسه عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان برون‌گرد با سبک والدگری سهل‌گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه

شیوه‌های فرزندپروری	منابع تغییر	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	F	Sig
سهل‌گیرانه	بین گروهی	۳۴/۳۲	۲	۱۷/۱۹	۴/۵۶	۰/۰۱۴
مستبدانه	درون گروهی	۲۴۴/۴۹	۶۵	۳/۷۶		
مقتدرانه	کل	۲۷۸/۸۱	۶۷			

● بحث و نتیجه‌گیری

○ بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر، نوروزگرایی ارتباط منفی با پیشرفت تحصیلی نشان داد؛ این یافته با نتایج پژوهش‌های پرموزیک و فورنهام (۲۰۰۳)؛ زویک و وبستر (۲۰۰۴)؛ هیون و همکاران (۲۰۰۲)؛ لانس بری و همکاران (۲۰۰۳) و لایدارا و همکاران (۲۰۰۷) همسو است. در تبیین این موضوع می‌توان گفت اساس نوروزگرایی را داشتن عواطف غیرمنطقی، تمایل به اضطراب و پرخاشگری، افسردگی و زودانگیختگی تشکیل می‌دهد (مک کری و کاستا، ۱۹۹۱). به نقل از هاور و همکاران، (۲۰۰۹) که همگی اثر منفی در موفقیت فرد دارند. همچنین ثبات هیجانی پایین در این افراد به وسیله رفتارهای دفاعی یا اجتنابی توصیف می‌شوند. رفتارهایی که این افراد از خود نشان می‌دهند مبتنی بر عدم تمرکز بر توانایی‌ها و شناسایی‌های خود قبل از مقابله با تکلیف است. در نتیجه از انجام تکلیف و حل مسئله خودداری می‌کنند (زویک و وبستر، ۲۰۰۴). فورنهام و مانسن (۲۰۰۹) بیان می‌کنند که ثبات هیجانی، پایین منجر به اضطراب و نگرانی در طول امتحان می‌شود؛ همچنین این افراد به علت خودپنداره ضعیف، عملکرد تحصیلی پایینی خواهند داشت.

○ در تحقیقات نتایج متفاوتی در مورد رابطه ویژگی شخصیتی برون‌گردی و عملکرد تحصیلی گزارش شده است. در این پژوهش رابطه منفی بین این دو متغیر به دست آمده است که با یافته‌های بوساتو و همکاران (۲۰۰۰)، کونارد (۲۰۰۴)، پتسکا (۲۰۰۶) و وکونور و همکاران (۲۰۰۷) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته سانچز و همکاران (۲۰۰۱)؛ به نقل از پرموزیک و فارنهام، (۲۰۰۳) دلیل ضعف درسی برون‌گردها را حواس‌پرتی و برانگیختگی آنها می‌داند. فارنهام و مانسن (۲۰۰۹) نیز دریافتند که برون‌گردی پیش‌بینی کننده منفی در تمام آزمونهای اجباری است. پس برون‌گردها بیشتر

در مواردی موفق و علاقه مند هستند که احساس خود مختاری و آزادی بیشتری در آنها دارند، در حالی که فراگیری بخش اعظم مباحث درسی در مدرسه به صورت غیر اختیاری می‌باشد و برون‌گردها به علت هیجان خواهی، پرنرزی بودن و برانگیختگی نمی‌توانند وقت بیشتری را صرف مطالعه کرده و تمرکز بالایی در کلاس داشته باشند. رابرت (۲۰۰۲)؛ به نقل از پرموزیک و همکاران، (۲۰۰۵)، معتقد است که برون‌گردی می‌تواند تاثیر دوگانه بر موفقیت فرد داشته باشد؛ به نحوی که این افراد در کارهای گروهی و در امتحانات شفاهی و یا کنفرانس‌ها و مصاحبه‌ها موفق ترند.

○ در خصوص نقش سبک‌های والدگری در عملکرد تحصیلی بامریند (۱۹۹۱) دریافت که نوجوانانی که دارای والدینی مقتدر بودند، انگیزه و اعتماد به نفس بیشتری داشته، مسئولیت پذیر و پیشرفت‌گرا بودند. نتایج تحقیقات آبار و همکاران (۲۰۰۹) نیز نشان داد که سبک مقتدرانه با عملکرد تحصیلی و مهارت‌های مطالعه همبستگی مثبت دارند. این نتیجه همچنین با نتایج تحقیقات دارلینگ (۱۹۹۹)، علیزاده و آندریس (۲۰۰۲) و باقرپور (۱۳۸۴) همسو می‌باشد.

○ در تبیین این موضوع می‌توان گفت که والدین مقتدر با تشویق فرزندان به هدف گرایی انگیزه تحصیل را در آنها درونی می‌کنند؛ که این امر در بهبود عملکرد تحصیلی تأثیرگذار است (استریج، ۱۹۹۰ به نقل از وانستین کیست و همکاران، ۲۰۰۴). از سوی دیگر این والدین به صورت عقلانی و منطقی روی فرزندان خود نظارت داشته و به نظرات آنان احترام می‌گذارند (شافر و کیپ، ۲۰۰۷) و با حمایت‌گری و انتظارات معقول، که خاص این سبک است؛ نقش مهمی در پیشرفت تحصیلی فرزندان خود دارند. لامبرن و همکاران (۱۹۹۱)؛ به نقل از برنشتاین، (۲۰۰۶) دست یافتند که، نوجوانان دارای والدین قاطع در مقایسه با سایر سبکها از لحاظ توانایی‌های روانی - اجتماعی در سطح بالاتری قرار دارند. این کودکان به توانایی‌هایشان اطمینان داشته و دارای استعداد بیشتری برای پیشرفت، به خصوص در تحصیل داشتند.

/بار و همکاران (۲۰۰۹) در تحقیقات خود اظهار می‌دارند که سبک والدگری استبدادی با ضعف توانایی‌های علمی دانش‌آموزان ارتباط مستقیم دارد. نتیجه این یافته همچنین همسو با نتایج پژوهش‌های هیون و همکاران (۲۰۰۲)، هاور و همکاران (۲۰۰۹)، کپه و فلیر (۲۰۱۰) و برجعلی (۱۳۸۷) است. در تبیین این ضعف عملکرد،

همانگونه که جونز (۲۰۰۰) بیان می‌کند والدین مستبد رفتار فرزندان خود را کاملاً با خواسته‌ها و معیارهای خود شکل داده و نظارت می‌کنند. در نتیجه استعداد ذاتی آنها شکوفا نمی‌گردد و نوجوانی نیز از اعتماد به نفس، ابتکار عمل، کنجکاوی و خود تنظیمی پایینی برخوردارند. رویارین و همکاران (۲۰۰۶) نیز بیان می‌کنند، والدگری استبدادی، خلاقیت، مهارت‌های اجتماعی و استقلال رای فرزندان را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. سبک والدگری استبدادی با نوروگرایی فرزندان نیز ارتباط مستقیم دارد و موجب بروز اضطراب به علت عدم اعتماد به خود، در آنها می‌شود (ولفراد و همکاران، ۲۰۰۳). مجموعه این عوامل بر عملکرد دانش آموز اثر منفی می‌گذارد.

○ از سوی دیگر والدین بایستی از طریق اعمال نظارت‌های مناسب، راه‌های رسیدن به هدفهای زندگی را به فرزندان نشان دهند. در سبک والدگری سهل‌گیرانه، والدین این ساختارها را به فرزندان خود آموزش نمی‌دهند؛ از این رو فرزندان آنها شانس درونی کردن حس کنترل را که برای رسیدن به هدفها ضروری است، پیدا نمی‌کنند. والدین در این سبک انگیزش درونی تحصیل در کودکان را بوجود نمی‌آورند (کرامر، ۲۰۰۲). همچنین این سبک در رشد شناختی و خلاقیت اثر منفی دارد و فرزندان این سبک ناپخته و عملکرد کمتر در وظایف محوله آموزشی دارند (کرافت و زاکرمن، ۱۹۹۹).

○ همانطور که پیش‌تر گفته شد رفتارهایی که دانش‌آموزان نوروگرا از خود نشان می‌دهند مبتنی بر عدم تمرکز بر توانایی‌ها و شایستگی‌های خود قبل از مقابله با تکلیف است. الگوهای رفتاری در سبک مقتدرانه باعث می‌شود کودکان هدفمند شده و از شیوه حل مسئله استفاده کنند، زیرا الگوهای رشد اجتماعی و خود کارآمد پنداری به آنها آموزش داده می‌شود (هیون و همکاران، ۲۰۰۲). از آنجایی که در روش مستبدانه تلاش کودک برای حمایت نادیده گرفته شده و به ندرت تقویت مثبت می‌شود؛ نظارت زیاد باعث می‌شود آنها در مورد توانایی‌های خود باورهای کمتری داشته باشند. در حالی که سبک اقتداری خودنظمی در یادگیری و خودشکوفایی را افزایش می‌دهد و با گذشت زمان در این سبک، خود تنظیمی در برون‌گردها افزایش می‌یابد (آبار و همکاران، ۲۰۰۹). همچنین والدین مقتدر، هدف‌گرایی را که در پیشرفت تحصیلی موثر است تشویق می‌کنند و انگیزه تحصیلی در آنها درونی می‌گردد، در نتیجه هیجان‌خواهی بالا

در این فرزندان تعدیل شده و فعالیت آنان هدفمند می‌گردد. از سوی دیگر، در حالی که برون‌گردها برای منضبط و هدفمند شدن، نیاز به الگو و مقررات ثابت دارند، تا تحت تاثیر همه جانبه گروه قرار نگیرند؛ والدین سهل‌گیر توانایی کنترل رفتارهای کودکان و جهت‌دهی و ایجاد خود تنظیمی در آنها را ندارند (شافر و کیپ، ۲۰۰۷؛ علیزاده و آندریس، ۲۰۰۲). نتیجه آن که سبک مقتدرانه به عبارتی به مفهوم ایجاد تعادل بین سبک مستبدانه و سهل‌انگارانه بوده و بیشترین تحولات مثبت فرزندان در همراهی با سبک والدگری مقتدرانه می‌باشد و می‌تواند تاثیر منفی بعضی از ویژگی‌های شخصیتی بر عملکرد تحصیلی را بهبود بخشد.

○ بطور کلی با توجه به اهمیت روزافزون پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در نظام آموزشی کشور و نیز حساسیت خانواده‌ها به این مقوله، به نظر می‌رسد که توجه به یافته‌های این پژوهش می‌تواند در شناخت ارتباط پیشرفت تحصیلی و ویژگی‌های شخصیتی و نقش تعدیل‌گر سبک‌های والدگری در این ارتباط، کمک شایانی باشد. در این راستا توجه اولیای مدارس و مراکز آموزش خانواده به این نکته جلب می‌شود که با آموزش والدین، در محیط خانه فضایی ایجاد شود که امکان تبادل افکار و احساسات بین والدین و فرزندان فراهم شود. در این زمینه دو عامل مهم تاثیر گذار در سبک‌های تربیتی یعنی پذیرش و کنترل، مورد تاکید قرار دارد تا ضمن توجه به ویژگی‌های شخصیت فرزندان نسبت به انتخاب رویکرد بهینه و مناسب اقدام نمایند.



یادداشت‌ها

- | | |
|---|--------------------|
| 1- academic achievement | 2- parenting style |
| 3- Cattell, R.B | 4- neuroticism |
| 5- Taylor, L. | 6- extroversion |
| 7- introvert | 8- authoritative |
| 9- authoritarian | 10- permissive |
| 11- neglectful | 12- self-esteem |
| 13- interactive | |
| 14- NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI) | |
| 15- Baumrind Parenting Inventory Styles | |

منابع

- آتش افروز، بهروز (۱۳۸۶). پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی از طریق دلبستگی، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال چهارم، شماره ۱۴

- باقرپور و همکاران (۱۳۸۶). رابطه الگوهای فرزندپروری با میزان سلامت روانی و موفقیت تحصیلی، *مجله علوم رفتاری*، صفحات ۳۳ - ۵۶.
- برجعلی، احمد (۱۳۷۸). *تاثیر الگوهای فرزندپروری بر تحول روانی-اجتماعی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران*. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- روشن چلسی رسول و همکاران (۱۳۸۵). بررسی ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه شخصیتی پنج عامل نئو (NEO-FFI)، *ماهنامه دانشور رفتار*، شماره ۱۶، صفحات ۲۷-۳۶.
- محمدی، فرزانه (۱۳۸۴). *بررسی تاثیر ارزشیابی توصیفی بر عزت نفس دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء (س).
- Abar B., Carter K.M., & Winsler A. (2009). The effects of maternal parenting style and religious commitment on self-regulation, academic achievement, and risk behavior among African-American parochial college students, *Journal of Adolescence*, 32, 259-273
- Alizadeh, H. & Andries, C. (2002). Interaction of parenting styles and a tention deficit hyperactivity disorder in Iranian parents, *Child and Family Behviour Therapy*, 24, 32-52.
- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use, *Journal of Early Adolescence*, 11(1), 56-95
- Bornstein, M. H. (2006). Parenting science and practice, In K. A., Reninger, *Handbook of child psychology*, volume four. Joun Wiley and Sons, Inc.
- Darling, N. & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin*, 113, 487-496.
- Darling, N. (1999). *Parenting style and its corrolates with academic performance*. <http://www.ebsco.com>. Available online.
- Desjerdins, J., Zdenski, J. M. & Coplan, R. J. (2008). An investigation of maternal personality, parenting styles, and subjective well-bing. *Journal of Personality and Individual Differences*. 44, 587-597.
- Heaven, P., Barry J., Mak A. & Ciarrochi J. (2002). Personality and family influences on adolescent attitudes to school and self-rated academic performance, *Journal of Personality and Individual Differences*, 32, 453-462.
- Hoeve, M., Dubas, J. S., Eichelsheim, V. I., Van der Laan, P. H., Smeenk, W. & Gerris, J. R. M. (2009). The relationship between parenting and delinquency: A meta-analysis. *Journal of Abnormal Child Psychology*. 37, 749-775.
- Huwer, R., Otten, R., Veries, H. & Engelse, R.C. (2009). Personality and parenting style in parents of adolescents. *Journal of Adoloscence*. 1-8.
- Infante, E., Sanchez, M., & Rodriguez, Y. T. (2001). Personality and academic productivity in the university students. *Social Behavior and Personality*, 29, 299-305.

- Judge, T. A., Jackson, C. L., Shaw, J. C., Scott, B. A., & Rich, B. L. (2007). Self-efficacy and work-related performance: The integral role of individual differences. *Journal of Applied Psychology*, 92, 107-127.
- Kappe R., & Flier H. (2010). Using multiple and specific criteria to assess the predictive validity of the big five personality factors on academic performance, *Journal of Research in Personality*, Available online 9 December 2009.
- Komarraja, M., Karau, S. J. & Schmeck, R. R. (2009). Role of the big five personality traits in predicting collage student's academic motivation and achievement, *Learning and Individual Differences*, 19, 47-52.
- Kraft, Zuckerman, (1999). Parental behavior and attitudes of their parents reported by young adults from intact and stepparent families and relationships between perceived parenting and personality, *Personality and Individual Differences*, 27, 453-476.
- Laidra, K., Pullman, H. & Allik, J. (2007). Personality and intelligence as predictors of academic achievement: A cross-sectional study from elementary to secondary school, *Personality and Individual Differences*, 42, 441-451.
- Lounsbury J. W., Saudargas, R. A., Gibson, L. W., & Leong, F. T. (2005). An investigation of broad and narrow personality traits in relation to general and domain-specific life satisfaction of college students. *Research in Higher Education*, 46, 707-729.
- McWayne, C. M., Owsiank, M., Green, L. E., & Fantuzzo, J. W. (2008). Parenting behaviours and preschool children's social and emotional skills: A question of the consequential validity of traditional parenting constructs for low-income African Americans. *Early Childhood Research Quarterly*, 23, 173-192.
- O'Connor, M. C., & Paunonen, S. V. (2007). Big five personality predictors of post-secondary academic performance, *Personality and Individual Differences*, 43, 971-990.
- Permuis, T. & Furnham, A. (2003). Personality predicts academic performance: Evidence from two longitudinal university samples. *Journal of Research in Personality*, 37, 319-338.
- Petska, Kelly, S. (2006). *Using personality variables to predict academic success in personalized system of instruction*, ETD collection for University of Nebraska - Lincoln. Paper AAI3225890.
- Premuzic, T. & Furnham, A. (2003). Personality traits and academic examination performance, *European Journal of Personality*, 17, 237-250.
- Roopnarine J.L., Krishnakumar A., Metindogan, A. & Evans M. (2006). Links between parenting styles, parent-child academic interaction, parent-school interaction, and early academic skills and social behaviors in young children of English-speaking Caribbean immigrants, *Early Childhood Research Quarterly*, 21, 238-252.
- Shaffer & Kipp (2007). The context of development, *Developmental Psychology Childhood and Adolescence*, 595-620.

- Vansteenkist, M., Simons, J., Lens, W., Sheldon, K. M. & Deci, E. L. (2004). Monitoring learning, performance, and persistence: The synergistic role of intrinsic goals and autonomy-support. *Journal of Personality and Social Psychology*, 87, 246-260.
- Wagerman, S. A., & Funder, D. C. (2007). Acquaintance reports of personality and academic achievement: A case for conscientiousness, *Journal of Research in Personality*, 41, 221-229.
- Wick-Nelson, R., & Israel, A. C. (2009). *Abnormal child and adolescent psychology*, New Jersey: Pearson Education.
- Wolfrad, Hempelb & Milesc, (2003); Perceived parenting styles, depersonalization, anxiety and coping behavior in adolescents, *Personality and Individual Differences*, 34, 521-532.
- Zweig, D. & Webster, J. (2004). What are we measuring. An examination of the relationships between the big five personality traits, goal orientation and performance intentions, *Personality and Individual Differences*, 3, 1693-1708.

